

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

بررسی شعر مقاومت آفریقایی جنوبی با تکیه بر دیدگاه پسااستعمارگرایی* (علمی - پژوهشی)

دکتر مهین دخت فرخ‌نیا

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

مژگان ونارجی

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات مقاومت دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

مطالعات پسااستعماری یکی از حوزه‌های مطالعات جدید در مورد کشورهای مستعمره است. پدیده «پسااستعماری» (Post-Colonialism) در اواخر قرن بیستم و در بافت کشورهای مستعمره‌ای که به دنبال گونه‌ای استعمارزدایی از فرهنگ، تاریخ، ادبیات و از همه مهم‌تر هویت خویش بودند، متولد گشت. این پژوهش قصد دارد، با استفاده از این حوزه مطالعاتی، تأثیر فرهنگی دوران استعمار را در فضای کلی شعر آفریقایی جنوبی تبیین کند. با توجه به این هدف، پس از اشاره‌ای مختصر به وضعیت سیاسی و پیشینه ادبی آفریقایی جنوبی، ضمن تبیین نظریه پسااستعمارگرایی، تعدادی از اشعار ترجمه شده این منطقه، از این دیدگاه بررسی شده است. مهم‌ترین دغدغه ذهنی شاعران مقاومت این دیار، هویت یابی است که آن را از طریق غیریت سازی و تفکیک مرزهای فرهنگی خود با استعمارگران امکان پذیر می‌دانند. مؤلفه‌های غیریت سازی در شعر مقاومت آفریقا در دو محور پایداری و تجدید حیات فرهنگی به نمایش درآمده‌اند. در این اشعار، مبارزه با جلوه‌های گوناگون استعمار، بازگشت به گذشته، احیای سنت‌های بومی و ملی و نوسازی علمی و فرهنگی تنها راه استعمار زدایی از فرهنگ و هویت قاره آفریقا و نیز کشور آفریقایی جنوبی معرفی شده است.

واژه‌های کلیدی: استعمار، پسااستعمارگرایی، شعر مقاومت، آفریقا، آفریقایی

جنوبی.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۸/۲۶
mahin.farrokhnia@gmail.com
mo.venarji@gmail.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۲/۴
نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

۱- مقدمه

۱-۱- آفریقای جنوبی

جمهوری آفریقای جنوبی، کشوری در جنوب آفریقا و در سواحل دو اقیانوس اطلس و هند است. این کشور به لحاظ معادن غنی و آبراه کیپ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اغلب از آفریقای جنوبی به عنوان ملت رنگین کمان یاد می‌کنند، این اصطلاح را اسقف اعظم دسموند توتو خلق کرد و بعدها رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی نلسون ماندلا از آن به عنوان استعاره‌ای برای توصیف پیشرفت‌های جدید تنوعات فرهنگی نشأت گرفته از ایدئولوژی آپارتاید (جدا سازی نژادی) استفاده کرد. نظام سیاسی این کشور دموکراسی است. (مصاحب، ۱۳۸۰: ۱۷۷-۱۷۴)

تا قبل از سال ۱۸۸۰ متصرفات مستعمره‌ای در قاره آفریقا بسیار کم بود و به برخی از بنادر محدود می‌شد؛ در حالی که بخش اعظم سواحل و تقریباً همه آفریقا هنوز مستقل بودند. اما تا سال ۱۹۰۰، آفریقا تقریباً به طول کامل تقسیم شد و تحت قیومت کشورهای اروپایی درآمد که این مسئله ره آورد امپریالیسم نو برای این قاره را به همراه داشت (الهی، ۱۳۸۷: ۴۴ تا ۴۶). نفوذ استعمار در قسمت آفریقای جنوبی پررنگ‌تر از دیگر مناطق این قاره بوده است. (دی‌ثورن، ۱۳۶۸: ۱۹۱) در نیمه دوم سده ۱۹ با پیدا شدن الماس و طلا، مهاجران بسیاری از جمله انگلیسی‌ها به آن نواحی روی آوردند. همین امر موجب شد که تاریخ سیاسی آفریقای جنوبی، نشیب و فرازهای بسیاری داشته باشد. پس از جنگ جهانی دوم، سیاست تبعیض نژادی و امتیازات ناهقی که سفید پوستان اروپایی برای خود قائل شده بودند، شدت یافت و رنگین پوستان و سیاهان را از سکونت و آمیزش با سفید پوست‌ها منع کرد. در سال ۱۹۴۳ نلسون ماندلا به همراه یکی از یارانش، کنگره پان‌آفریکن را پایه‌گذاری کرد و در سال ۱۹۶۰ تظاهراتی در شهر شارپویل بر پا داشت. برپایی این تظاهرات که ۷۰ کشته در پی داشت، منجر به انحلال کنگره و سپس زندانی شدن رهبران کنگره و نلسون ماندلا شد. در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۴ به دستور پی دبلیو بوت، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی به هندی تباران و رنگین-

پوستان اجازه شرکت محدود در انتخابات داده شد؛ ولی سیاهان را همچنان از دادن رای محروم نگاه داشتند. این عمل با مخالفت اقشار مختلف مواجه شد. در پایان ۱۹۸۶ بیش از ۷۵۰ تن از سیاهان و مخالفان تبعیض نژادی کشته شدند و هزاران مخالف دولت بازداشت و زندانی گردیدند. در فوریه ۱۹۹۰ به دستور دکلرک اصلاح طلب (که بعد از بوتا به جای وی رئیس جمهور شد)، نلسون ماندلا رهبر معروف سیاهان پس از ۲۷ سال از زندان آزاد شد. ماندلا پس از آزادی، دوباره به فعالیت های سیاسی پرداخت و پس از مدت ها مذاکره با دولت دکلرک، رفع بحران اجتماعی و عادی شدن اوضاع در آفریقای جنوبی را اعلام داشت. سرانجام در ماه می ۱۹۹۰ سیاست تبعیض نژادی لغو گردید. در ۱۹۹۴ نلسون ماندلا با ۷۸ درصد آراء به عنوان رئیس جمهور آفریقای جنوبی برگزیده شد. (همان) در همین دوران است که میل به استقلال فرهنگی در ادبیات دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در این مستعمره سابق موج می زند و یکی از محرک های اصلی آفرینش ادبی در این منطقه است.

۱-۲- شعر مقاومت آفریقای جنوبی

تاریخ ادبیات مکتوب آفریقا به دوره ورود اروپائیان به این سرزمین و آشنایی ساکنان آن با خط و نوشتن مربوط می شود؛ اما در فرم های ادبیات شفاهی و ملی، این قاره دارای پیشینه غنی و کهن ادبی است که خمیرمایه اصلی ادبیات مکتوب آن محسوب می شود (سعیدیان، ۱۳۶۹: ۲۰).

ادبیات جدید آفریقا حاصل تعامل ملیت های گوناگون، نگرش و رجوع به سنت ها و آداب و رسوم کهن و سعی در تلفیق آنها با مظاهر مدرنیته و ارتباط با فرهنگ جهان غرب است (ترابی، ۱۳۸۴: ۲۳).

شعرهای جدید آفریقا از یک سو ریشه در سرودهای غنایی - حماسی سنتی آفریقا دارد و از سوی دیگر، ریشه در شعر سورئالیست فرانسوی. با وجود این، از نظر فرهنگی شعری است غنی، برخاسته از دل های سیاهان ستمدیده این سرزمین، که جا به جا به فرهنگ و تمدن باستانی مردم اشاره دارد و نیز با یادآوری شکوه نیاکان آزاد منش این سرزمین همراه است (ترابی، ۱۳۸۴: ۲۳). شعر مقاومت یکی

از بسترها و ابزارهای مناسب در خدمت شاعران آفریقا است که به وسیله آن مفاهیم اجتماعی و متعهدانه، اندیشه‌های استعمارستیزی و آزادیخواهی و انسان‌دوستی و دوری از نژادپرستی و مساوات را ترویج کنند (سعیدیان، ۱۳۶۹: ۳۲).

با نگاهی به ادبیات آفریقا این نکته جلب توجه می‌کند که ادبیات بومی و توجه به بن‌مایه‌های ارزشی و ملی در آثار نویسندگان و شاعران آفریقای جنوبی پررنگ‌تر و برجسته‌تر از دیگر مناطق است؛ زیرا تاریخ این کشور نسبت به دیگر کشورهای آفریقایی متفاوت است. مهاجرت اروپایی‌ها به آن و موقعیت استراتژیک دریایی آن سبب شده است، تاریخ پرفراز و نشیبی داشته باشد و همان طور که ذکر شد، نفوذ اروپاییان در آن، چشمگیرتر از دیگر نقاط این قاره پهناور باشد. (دی‌ثورن، ۱۳۶۸: ۱۹۱) به همین دلیل، دو رویکرد متفاوت، در شعر این کشور به وضوح دیده می‌شود. آثاری که اجتماعی و سیاسی هستند و آثاری که نمادی از سازش و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز برخی از هنرمندان این خطه با طبقه حاکم است. در آثار سیاسی-اجتماعی، مؤلفه‌های اشعار مقاومتی و ضد استعماری به زیبایی جلوه‌گر است. این دسته از شاعران، شعر را بستری برای افشای ظلم و ستم حاکم و اعتراض به از خود بیگانگی برخی از روشنفکران و هنرمندان و ابزاری برای دفاع از مردم مظلوم کشور خود دانسته و آثار متعددی را در این زمینه آفریده‌اند. (نوردمن سیلر، ۱۳۶۷: ۱۲۱-۱۲۲)

از جمله شاعران معاصر آفریقای جنوبی که در اشعار سیاسی اجتماعی خود مؤلفه‌های شعر مقاومت و ضد استعماری را به نمایش گذاشته‌اند، می‌توان از افراد زیر نام برد؛ گفتنی است که این شاعران، همگی، معاصر و اکثر آنان متولد سال ۱۹۴۰م. به بعد هستند و بسیاری از آنان هنوز در قید حیات به سر می‌برند: اسوالد

متشالی Oswald Mtshali، آلن کولسکی رویتس Allan Kolski، شوبر بنوبهی Shobbir Benubehi، موویس اسمالبرگ Mavis horwits، رشدی زیرز Rushdy Siers، نی جابولونی Njabulo Smallberg، دنیس بروتوس Dennis Brutus، جیمز ج. ر. جولوبه James Ndebele، ج.ر. جولوب J.R. Jolob، فدی تیهو بولو Phedi Mafika Mbuli

Tihobolo، ریموند مازیسی کونه‌نه Raymond Mazisi Kunene، س. ا. ۱.
مکهایبی S.E.Mqhayi، ایلوماکی I lva Macy، سوزان میبی Susan
Mabi، مونگانه دیلیو سروتو Mongane W.Serato، باربارا شراینر
Barbara Schreiner، پتر اندرسن Peter Andrson، بالکا کگوستیسیل
Baleka Kgositsile، ماند لندوزی لانکا Madleendosi Langa، سیفو
سامیلا sifo samila، پاتریک فیتزجرالد Patrick Fitzgerald، پاسکال
Pascal Gwala گوالا.

با توجه به رویکردهای فکری و انقلابی که در کشورهای استقلال یافته قاره
آفریقا از جمله در آفریقای جنوبی به شکل چشمگیری مشاهده می‌شود، در این
پژوهش برآنیم تا با تحلیل و بررسی اشعار مقاومت این شاعران به شناسایی بن‌مایه‌های
شعر مقاومت کشور آفریقای جنوبی از دیدگاه پسااستعماری بپردازیم.

۱-۳- پرسش‌های پژوهش

مهم‌ترین پرسش‌هایی که در این پژوهش به آنها پاسخ داده خواهد شد:

- ۱- مهم‌ترین جنبه‌های منفی میراث استعمار از دیدگاه شاعران آفریقای
جنوبی چیست؟
- ۲- واکنش این شاعران نسبت به میراث فرهنگی دوران سطله استعمارگران
چگونه است؟
- ۳- در شعر مقاومت آفریقای جنوبی، راه‌های مبارزه، با استمرار نفوذ
فرهنگی بیگانه چگونه ترسیم شده است؟

۱-۴- ضرورت انجام پژوهش

بررسی و تحقیق در حوزه شعر مقاومت کشورهای استعمارزده از جمله
کشورهای آفریقایی و تبیین ابعاد گوناگون میراث فرهنگی استعمار و بازتاب
افکار انتقادی و معترضانة شاعران متعهد و آگاه این مناطق در مقابل آن، یکی از
ضرورت‌های حوزه فرهنگ ملی است که به ایجاد راه‌های مقابله و مبارزه با
سلطه فکری کشورهای امپریالیستی کمک می‌کند. در همین زمینه استفاده از

رویکردهای جدید مانند نقد پسااستعمارگرایی، زاویه دید متفاوتی را برای تحلیل‌های فرهنگی و ترسیم روش‌های مقابله با تهاجم فرهنگی در اختیار ما می‌گذارد.

۱-۵- پیشینه پژوهش

مقوله پسااستعماری که از نظریه‌های معاصر محسوب می‌شود، به شکلی عام و کلی در کتاب‌های نظریه‌های ادبی آمده است. در این خصوص، مقالاتی چون «هویت و تأویل، در جست‌وجوی یک هویت پسااستعماری» از جهانگیر معینی علمداری و «مقدمه‌ای بر نظریه و نقد پسااستعماری» از احمد ساعی و «مطالعات پسااستعماری؛ نقد و ارزیابی دیدگاه‌های فرانتس فانون، ادوارد سعید و هومی بهابها» از رضا شیرزادی، حاوی مطالب مفیدی برای تبیین و شناخت چارچوب نظری این شیوه است. در خصوص آثار ادبی آفریقا نیز به طور کلی مقالاتی در موضوعات مختلف به رشته تحریر درآمده است که از آن جمله می‌توان به «بازتاب و نقد جنبش نگریتو در رقص جنگل اثر وله شویینگا» از محمد مرنندی و محسن حنیف اشاره کرد. اما تاکنون در خصوص بررسی مؤلفه‌های شعر مقاومت آفریقا یا آفریقایی جنوبی از دیدگاه این نظریه، پژوهشی مستقل انجام نشده است.

۱-۶- محدوده پژوهش

محدوده پژوهش حاضر، مجموعه‌ای کلی مشتمل بر حدود ۱۰۰ نمونه از، گزیده اشعار شاعران مشهور معاصر آفریقایی جنوبی است که آثارشان به فارسی ترجمه شده است. به نام این شاعران در مقدمه و به منابع این اشعار در فهرست پایان مقاله، اشاره شده است.

۱-۷- روش پژوهش

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش‌های استقرای تام، مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و اسنادی، اطلاعات، جمع‌آوری و به روش نمونه‌گیری، مجموعه‌ای از اشعار شاعران آفریقایی جنوبی انتخاب شده است. سپس نمونه‌ها با استفاده از شیوه تحلیل محتوا، مورد بررسی قرار گرفته و یافته‌ها به صورت تحلیلی و توصیفی ارائه شده است و در پایان با استفاده از روش آمار استنباطی نتایج حاصل از اشعار نمونه، به فضای کلی شعر مقاومت آفریقایی جنوبی تعمیم داده شده است.

۲- بحث

۲-۱- استعمار و پسا استعمار

واژه «استعمار» امروزه به معنی، تسلط سیاسی، نظامی و اقتصادی یک ملت مقتدر و قدرتمند بر یک سرزمین، قوم یا ملت ضعیف به کار می‌رود (آشوری ۱۳۵۸: ۱۵).

با گذر زمان، رشد آگاهی ملت‌ها و گسترش استعمارستیزی و همچنین پیشرفت روز افزون وسایل ارتباطی و امکان تبادل هرچه بیشتر اندیشه‌ها، قدرت‌های استعماری شناخته شده برای حفظ و گسترش سلطه بر مستعمرات خویش، به شیوه‌های نوینی متوسل شدند. بر همین اساس در طول تاریخ با ظهور سه چهره متمایز از استعمار روبرو هستیم.

الف- استعمار سنتی یا کهن (Old- Colonialism)

به استعمار دوران قدیم گفته می‌شود که «قدرت‌های بزرگ با اعمال زور بر حاکمیت کشورهای دیگر سطه پیدا می‌کردند (ارجینی، ۱۳۸۹: ۱۹).

ب- استعمار نو (neo-colonialism)

با رشد فکری جوامع و گسترش نهضت‌های ضد استعماری در کشورهای تحت سلطه، استعمار، چهره جدیدی به خود گرفت و سعی کرد به جای سلطه مستقیم و اشغال سرزمین‌ها، سلطه خود را با روی کار آوردن دولت‌های دست-نشانده بومی استمرار بخشد (همان: ۱۹). این واژه را «احمد سوکارنو» رئیس جمهور پیشین اندونزی در اولین کنفرانس کشورهای آسیایی و آفریقایی که در سال ۱۹۵۵ در شهر «باندونگ» اندونزی برگزار شد و به تشکیل سازمان کشورهای غیر متعهد انجامید، به کار برد (طلوعی، ۱۳۷۲: ۱۵۱).

ج- استعمار فرانو (Ultramodern - Colonial)

غرب سعی کرد تا «با فروپاشی نظام دو قطبی، گسترش وسایل ارتباط جمعی و تبدیل شدن جهان به یک دهکده جهانی، سلطه خود را از طریق ابزار رسانه‌ای توسعه دهد. با سلطه غرب و در رأس آنها آمریکا بر رسانه‌ها در دو دهه

اخیر چهره جدیدی از استعمار به صحنه جهانی آمد که می توان آن را استعمار فرانکو نامید» (ارجینی، ۱۳۸۹: ۲۰).

واژه دیگری که برای نشان دادن سلطه کشورهای استعماری به کار می رود، «امپریالیسم» است. واژه «امپریالیسم» عموماً و به اشتباه با واژه استعمارگرایی، در یک معنا به کار برده می شود که مبین ارتباط نزدیک این دو با یکدیگر است. «استعمار و امپریالیسم مکمل یکدیگرند. امپریالیسم را می توان «سیاست» نامید، که به دنبال آن استعمار یعنی «عملیات» را به وجود می آور.» (الهی، ۱۳۸۷: ۹).

«استعمارگرایی بدون وجود مستعمره قانونی و جریان مستعمره سازی نمی تواند وجود داشته باشد اما امپریالیسم بدون وجود مستعمره های رسمی می تواند عمل کند» (ساعی، ۱۳۸۵: ۱۳۵). پایان دوره استعمارگرایی در اصطلاح پسااستعماری متجلی می شود. از این دیدگاه، غربی سازی به شکل استعماری اش، در آستانه جنگ جهانی اول به پایان راه خود رسید، با این حال غربی سازی جهان به شکل پسااستعماری ادامه یافته است. مفهوم «پسا» بیانگر دوره پس از آغاز استعمار است.

۲-۲- مطالعات پسا استعمارگرایی

در تعریف اصطلاح پسااستعماری گرایی، ابهام و آشفتگی زیادی مشاهده می شود، این آشفتگی به ویژه به دلیل دامنه وسیع موضوعات مورد علاقه مطالعات پسااستعماری است که از نظریه و نقد ادبی تا مطالعات اقتصادی، سیاسی، پژوهش درباره حکومت های استعماری، مسئله هویت و مطالعات فرهنگی را دربرمی گیرد.

«پسااستعمارگرایی از مقوله های جدیدی است که از سوی اندیشمندان و منتقدان شرقی چون، ادوار سعید (Edward Said) متفکر آمریکایی تبار فلسطینی الاصل، هومی بهابها (Homi K. Bhabha) منتقد هندی، اعجاز احمد (Ijaz Ahmad) اندیشمند و نظریه پرداز مارکسیست پاکستانی و گایاتری چاکراورتی اسپیواک (Gayatri Chkravotry Spivak) نویسنده و نظریه پرداز هندی، ابجول جان محمد (Abjvl John mohammad) و عزیز العظه (Aziz Al-Ezah) مطرح شده است.

در مطالعات پسااستعماری به جای تکیه بر محورهای چون، اشغال نظامی و سیاسی سرزمین‌های خارجی توسط استعمارگران، سلطه فرهنگی و رسانه‌ای آنها مورد توجه و نقد قرار می‌گیرد. از سوی دیگر همانند نظریه اقتصاد سیاسی، به سرمایه‌داری غرب به عنوان چارچوب مسلط قدرت رسانه‌ای جهان، توجه می‌شود و بر این نکته اذعان می‌شود که اصالتاً «استعمارگر دارای هویتی مستقل و متکی به خود نیست، بلکه هویتش، دست کم تا حدی، از طریق تعامل با استعمار شده شکل می‌گیرد» (برتز، ۱۳۸۲: ۲۶۴).

پسااستعمارگرایی نه تنها با ادبیات کشورهای مستعمره که سال‌ها تحت استعمار کشورهای چون بریتانیا، فرانسه و اسپانیا بوده‌اند سروکار دارد، بلکه به آثار نویسندگانی که سال‌های زیادی در کشورهای استعمارگر زندگی کرده‌اند نیز می‌پردازد. یکی از این آثار ارزشمند که به جرات می‌توان گفت رویکرد جدیدی را در نقد ادبی بنیان نهاد، «شرق‌شناسی» نوشته ادوارد سعید است.

کتاب «شرق‌شناسی» اثر ادوارد سعید، که در سال ۱۹۷۸ انتشار یافته نمونه بارز و ماندگار مطالعات پسااستعماری است. بخش بنیادی کار سعید در «شرق‌شناسی» گزارش و توصیف، اقتدار تاریخی و نیز شخصیت‌های صاحب این قدرت در شرق‌شناسی است» (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۲۷۲). «این پژوهش سعید که مبتنی بر دیدگاه‌های فوکو و تا حدودی گرامشی است، به طور کامل دستور کار مطالعه فرهنگ‌ها و ادبیات غیر غربی را تغییر داده و آن را به سمت آنچه امروز نظریه پسااستعماری خوانده می‌شود، سوق داد» (برتز، ۱۳۸۲: ۲۵۹).

نقد پسااستعمارگرایی در صدد آشکار کردن این نکته است که سلطه اقتصادی و سیاسی که عناصر کلیدی امپریالیسم و استعمار در قرون هیجدهم و نوزدهم را تشکیل داد، همواره با صورت‌بندی و تکوین گفتمان‌هایی همراه بود که در آنها «غیریت» (استقلال ملیتی و فرهنگی و هویتی) مردمان آسیا و آفریقا به عنوان هویتی مستقل نفی می‌شد، و از نظر فرهنگی نیز استعمار می‌شدند. و ضمن برتری فرهنگی و اخلاقی قدرت‌های امپریالیستی غرب نیز همواره بدون کمترین تردید با پرده‌پوشی مورد تأیید و تأکید قرار می‌گرفت» (ساعی، ۱۳۸۵: ۱۳۸). «نوشتار پسااستعماری در پی آن است

که در برابر دریافتی ثابت، یکه و پذیرفته شده، مقاومت کند و تفسیری ویژه و مرکزی از تاریخ را مورد بازاندیشی قرار دهد و بایینشی فراگیر و قدرتمند، حیات سیاسی را به چالش بخواند» (برتز، ۱۳۸۲: ۲۵۹).

۳-۲- بن‌مایه‌های فکری شعر مقاومت آفریقای جنوبی با تکیه بر رویکرد پسا استعماری

از نظر بن‌مایه‌های تفکر مقاومتی، «غنی‌ترین اشعار آفریقای معاصر در دوران جنگ‌های ضد استعماری سروده شده‌اند، که از سال ۱۹۴۷ در ماداگاسکار آغاز و تا به امروز در آفریقای جنوبی ادامه یافته است. در همین دهه‌ها شاهد جنگ داخلی در نیجریه و آنگولا نیز بوده‌ایم» (حسن‌زاده، ۱۳۷۷: ۸۶). «خشم انقلابی شعر آنگولا، حسرت اندوهبار شعر موزامبیک، صدای قدرتمند ضد استعماری شعر سنگال و نیجریه، صراحت و ستیزندگی شعر اوگاندا و کنگو، معجونی زیبا و روح انگیز از شعر آفریقای معاصر ساخته است» (همان: ۸۸).

در شعر مقاومت آفریقای جنوبی نیز که دوران طولانی استعمار و تبعیض نژادی را پشت سر گذاشته، شاهد حضور پررنگ مؤلفه‌های ضد استعماری و نگرش‌های حاصل دوران پسا استعماری هستیم. شاعران این سروده‌ها، در فضای اشعار خویش سعی دارند از گذشته که دوران سلطه قدرت‌های استعماری است، انتقاد کنند، به توصیف و تبیین حال پردازند و مسیر آینده را ترسیم کنند. اگرچه در طی سالیان متمادی استقرار استعمار، تمامی زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی سرزمین آنها، دست‌خوش تغییر شده است، احیا و ارتقای فرهنگ ملی و بومی، دغدغه اصلی ذهنی روشنفکران و صاحبان قلم این منطقه است. بر همین اساس اگرچه زبان انگلیسی (زبان استعمارگران) در این کشور جانشین زبان‌های بومی شده و به عنوان زبان رسمی به کار گرفته می‌شود، نویسندگان و شاعران این کشور و دیگر کشورهای منطقه، از این زبان به گونه‌ای استفاده می‌کنند که «آهنگ و اصطلاحات زبان خودشان شنیده شود، زیرا آشنایی‌زدایی ناشی از چنین فرایندی به طور خودکار توجه [مخاطب] را به بافت زبانی و فرهنگی غیر انگلیسی آثارشان جلب می‌کند» (برتز، ۱۳۸۲: ۲۴۹).

ما می‌توانیم زیبایی را در هستی بخندیم/ و باز تو را واداریم/ تا طعم اشک‌های شور دانشمان را بچشی... / پشت سر دروغ‌ها و تظاهر کردن‌هایتان را دیده‌ایم/ و زبان واژگان را با مهارت آموخته‌ایم/ ما سخنرانان ماهری هستیم/ و می‌دانیم/ و نیز خودمان را دیده‌ایم. آ.بنا پی. آ.بوسیا Abena p.a.Busia (ترابی، ۱۳۸۴: ۱۶۳).

گفتنی است که برخی از شاعران آفریقای جنوبی، مانند «ریموند مازیسی کانه‌نه» (Raymond Mazisi Kunene) همچون دیگر شاعران آفریقایی نظیر «اکوت کافی اونور» (Kofi Awoonor)، و «اکوت پ بیتیک» اهل اوگاندا (Okot P bitek) اشعار خود را ابتدا به زبان‌های محلی «ایو»، «زولو» و «لو» سروده و سپس آنها را به زبان انگلیسی ترجمه کرده‌اند و به این وسیله گامی موثر در جهت رساندن پیام خود به گوش جهانیان برداشته‌اند (حسن‌زاده، ۱۳۷۷: ۹۰-۹۱).

با بررسی فضای کلی شعر مقاومت آفریقایی جنوبی می‌توان نتیجه گرفت که گفتمان غالب بر این اشعار، مسأله هویت‌یابی پس از پایان دوران استعمار است، اما برای دستیابی به این گفتمان ابتدا باید به این پرسش پاسخ داد که منظور از هویت چیست و فرایند هویت‌یابی چگونه صورت می‌گیرد؟ هویت در حقیقت همان معناداری در دو سطح فردی و اجتماعی است که به پرسش‌های معطوف به کیستی پاسخی مناسب می‌دهد. «هویت در بردارنده و معرف کیستی هر فرد در بستر زمانی مکانی یعنی تاریخ، فرهنگ و جامعه است که جایگاه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اعضای یک جامعه را تعیین می‌کند و فرد از طریق فرایند هویت‌یابی به یک تاریخ، فرهنگ و اجتماع خاص تعلق پیدا می‌کند» (نجاتی، ۱۳۸۲: ۱۵۴). به عبارت دیگر «هویت همان معنای کلیدی است که ذهنیت افراد را شکل می‌دهد و مردم به واسطه آنها نسبت به رویدادها و تحولات محیط زندگی خود حساس می‌شوند» (تاجیک، ۱۳۸۴: ۱۲). بنابراین جستجوی هویت یا هویت‌یابی خصلتی اجتماعی دارد و مبتنی بر موقعیت ساختاری مجموعه‌ای از افراد است که به یک انگاره فرهنگی تعلق دارند. بر این اساس، «کشورهای مستعمره، برای ترسیم مرزهای هویتی خود شیوه ویژه‌ای را بنیان می‌نهند، شیوه‌ای که طی آن ضدیت، سازمان‌دهی می‌شود، استعمارگر و استعمارزده، و خودی و غیر خودی

مشخص می‌شود. برای تحقق این تمایز گذاری تمام مظاهر گوناگون استعمار، مانند زبان، سنت‌ها، نمادها و دیگر مظاهر آن به عنوان نماد دشمن و استعمار تلقی می‌شوند که برای تبیین هویت ظلم ستیزی خود به عقب رانده می‌شوند» (نقل با تصرف از نظری، ۱۳۸۷: ۱۶۶). بنابراین می‌توان گفت هویت‌یابی در شعر کشورهای مستعمره، از طریق «غیریت سازی» (otherness) صورت می‌گیرد؛ به بیان دیگر، هر گفتمان فرهنگی با مرکزیت بخشیدن به یک دسته از عناصر و مؤلفه‌ها و به حاشیه راندن برخی عناصر و مؤلفه‌های دیگر به مرزبندی هویتی دست می‌زند که حاصل آن تأسیس مرزهای هویت اصلی (غالب) و خلق یک غیریت (دیگری) در برابر آن است. نحوه غیریت سازی را در شعر مقاومت آفریقایی جنوبی که معرف فضای کلی حاکم بر شعر آفریقا نیز محسوب می‌شود، می‌توان در دو مؤلفه اصلی جستجو کرد: ۱- پایداری ۲- تجدید حیات فرهنگی.

۲-۳-۱- پایداری

پایداری و ایستادگی در برابر جنبه‌های گوناگون میراث فرهنگی استعمارگران به صورت‌های زیر در شعر شاعران این منطقه نمودار شده است:

۲-۳-۱-۱- افشای اغواگری غرب

غیریت‌سازی «در راستای خاص‌گرایی هویتی، محصور نمودن خود، جدایی طلبی، نفی و تبعیت سطله یا تمایز بخشی به کار می‌رود.» (نظری، ۱۳۸۷: ۱۷۷) ایجاد هر هویت در عین حال به معنای ایجاد حد و حصر است که در آن هویت همچون خانه در بسته‌ای تصور می‌شود که در آن اغیار را راهی نیست. اگر اغیار بخواهند راهی به درون جویند تنها با اغوا و فریب صاحبان خانه، به چنین مقصودی دست می‌یابند. شاعران آگاه و متعهد آفریقایی جنوبی مانند دیگر شاعران آفریقایی، با آگاهی کامل از اغواگری غرب، به تبیین این مقوله در بستر شعرهایشان پرداخته‌اند: شما به من آموختید که / نباید برای نیاکانم گاو سیاه قربانی کنم / یا از پوست دباغی شده آن یک «بشو» بسازم / در عوض به من آموختید / که چگونه در عید میلاد مسیح / بوقلمون فربه را سرخ کنم / و بر سر سفره نهم.... / شما به من آموختید که / کسانی که «بشو» به تن می‌کنند / و آنان که چهره‌هاشان را

با گل/ اخرا سرخ می کنند / وحشی اند/ من این نصیحت پدارانه را در گوش
گرفتم/ و لباس های پوستم را در مقابل یک/ لباس دوخت «ساویل رو» / عوض
کردم/ گل اخرا را از چهره زنم پاک کردم/ و محصولات آرایشی هلنا/
روبینشتاین را به او هدیه کردم/ آنگاه دست در دست به همان جایی رفتیم/ که
مردم متمدن می روند/ و آنجا/ ما را شکار کردند. اسوالد متشالی Oswald
Mtshali (نور من، سال ۱۳۶۷: ۱۲۴).

«سیفو سیاملا» شاعر اهل ژوهانسبورگ، با اشاره به همین موضوع، این مطلب را یادآور می‌شود که غرب استعمارگر با وجود فریبندگی و فریبکاری‌اش، قادر به اغفال سیاه‌پوستان نیست: سیاه‌پوستان، خواننده به دنیا می‌آیند / سیاه‌پوستان، دونده به دنیا می‌آیند / سیاه‌پوستان، همیشه دوستدار صلح‌اند / این‌گونه افسانه‌ها، سیاه‌پوستان را ساده‌لوح جلوه می‌دهند / خواننده / دونده / دوستدار صلح / هیچ‌کس توفان خروشان درون ما را نمی‌بیند / هیچ‌کس کاسه لبریز صبر ما را نمی‌بیند / خندیدن، عذاب‌آور و ناممکن شده است / خواننده / دونده / دوستدار صلح / آری، به یقین، ما ترانه خواهیم خواند در شب‌های تا سحر بیدار / و دونده‌های خوبی خواهیم بود برای پشت سرگشتن همه موانع / اما آن‌چه تردید داریم دوست داشتن صلح است / که سفیدپوستان را از باب ما می‌خواهد! (فرامین، ۱۳۹۲).

۲-۳-۱-۲-۱ اعتراض به نفوذ فرهنگ استعمارگر

اعتراض به نفوذ فرهنگی استعمارگران در جهت بی‌هویت کردن و تسلط هرچه تمام‌تر بر ملت‌ها یکی از جلوه‌های پایداری در برابر سلطه طلبی است. از نظر شاعران آفریقای جنوبی، استحاله فرهنگی، موجب به وجود آمدن نسلی است بی‌هویت و دست‌نشانده که استمرار غارت فرهنگی و اقتصادی را برای استعمارگران ممکن می‌سازد.

... پسر بچه کوچک تنها می‌خواهد/ بخورد، بخورد، بخورد / او در صندلی‌اش می‌لولد و می‌گوید: / «کودکان سفید پوست / این‌گونه در صندلی می‌نشینند.» / پسر بچه کوچک / از دموکراسی می‌گوید / و می‌گوید که مبارزه‌اش با دولت / تنها او را سرسخت‌تر کرده است / این پسر بچه کوچک ... / اغلب گرسنه می‌خواهد ... /

سرنوشتش را می‌داند/ و می‌خواهد که کشورش/ کشوری آزاد باشد/ آه، لعنت بر این
سرنوشتی/ که در آن/ چنین پسر بچه کوچکی/ خطری است برای کشورش. موویس
اسمالبرگ Mavis Smallberg (ترابی، ۱۳۸۴: ۱۴۷).

شاعر مقاومت که فریادگر نجواهای دردمندان مردم خویش است، به خوبی
از نیرنگ استعمارگران آگاه است و می‌داند بستن درهای اشغال نظامی به معنای
پایان یافتن سلطه استعمار نیست و استعمارگر با رواج فرهنگ منحنط سعی در
تداوم سلطه خویش دارد: بریتانیا اقیانوس‌ها را تسخیر نموده و پست کرده است،/
رودهای کوچک را مکیده و خشکانده است/ ملل کوچک را رفته و از صفحه
روزگار محو کرده است؛/ و اینک بر آسمان‌ها دست می‌یازد/ برای ما واعظ
فرستاد، برای ما شیشه شراب فرستاد/ برای ما انجیل فرستاد، همراه بشکه‌های
کنیاک/ برای ما تفنگ فرستاد، برای ما توپ فرستاد/ آه ای بریتانیای
غرند، کدامیک از این‌ها را گرامی بداریم؟ س. ا. مکهایی S.E. Mqhayi (دی‌ثورن،
۱۳۶۸: ۲۱۵-۲۱۶).

پسر بچه کوچک / غمگین می‌شود / وقتی دوستانش در میخانه‌ها عیاشی
می‌کنند. موویس اسمالبرگ Mavis Smallberg (ترابی، ۱۳۸۴: ۱۴۳-۱۴۴).

۲-۳-۱-۳- اعتراض به تسلیم‌پذیری و بردگی

استعمار با گسترش فرهنگ بردگی و تسلیم‌پذیری موجب آشوبی فراگیر در
مبانی هویتی مردم این سرزمین شده است. در چنین شرایطی شاعران سعی می‌کنند
با نفی خصلت تسلیم‌پذیری، موقعیت اجتماعی مردم خود را بازسازی نمایند؛ زیرا
می‌دانند خوی بردگی و سلطه‌پذیری سرمنشأ ضعف و زبونی است که سیاهان را
در گذر زمان به افرادی خنثی و سترون مبدل می‌کند و برای آنها توان اعتراض
و مقابله بر جای نمی‌گذارد، اینجاست که شاعر لب به شکوه می‌گشاید.

...خدا یا، می‌دانم که گم شده‌ام/ آه من کیستم؟ کیستم؟ / من چارپایی هستم
که پیش از این / خاموش، علف‌ها را می‌چریدم / اما اکنون صدای زنگم / به
زنگ خیابان‌های قیراندود / مانده است... نی جا بولونی Njabulo Ndebele
(شاهسوندی، ۱۳۷۲: ۶۱).

او را دیدم که از راه‌های دشوار کوهستانی بالا می‌رفت / با بار سنگین، تا
مایه معاشی فراچنگ آورد، / و خیس عرق، تا صاحبش را ثروتمند گرداند. /
شیرینی زحمت، سهمی است که از «حاصل» به دست می‌آید / زیرا دیدم چگونه
نر گاوی جوان / به زیر یوغ رفت / او را دیدم در نیاز، تحت این نظام، / با
چشمان اشکبار و روح در فشار، / حتی طریقی مقاومت نمی‌دانست... جیمز ج.
ر. جولوبه James J.R Jolobe (همان: ۲۲۰).

شاعرانی چون «فدی تیهو بولو» که سرزمینشان دوران تلخ استعمار را پشت
سر گذاشته، در شعرهای اعتراضی خویش هنوز از انفعال، جهل و خوی تسلیم
پذیری مردم خویش انتقاد می‌کنند: چندین بار سرقت زندگی / و تجاوز قانون
حقیقی؟ / بیش از این نمی‌توانم تحمل کنم!... / چندین بار باید بی‌حس سقوط
کنیم / مثل گلوله توپ؟ / چندین بار / آفریقایی جنوبی؟ / نادانی تو مرا می‌کشد / مرا
به مرگ می‌افکند / آه، ای رنجبران / چندین بار / باید من شعرهای غمگین
بسرایم. فدی تیهو بولو Phedi Tihobolo (ترابی، ۱۳۸۴: ۱۹۱-۱۹۲).

۲-۳-۱-۴- اعتراض به سرقت هویت و فرهنگ

تفکر ضد استعماری، به گونه‌ای فراهم آورنده تعهد و مشارکت سیاسی با
تلاش برای دستیابی به دو هدف است: تفسیری از روابط قدرت موجود و طرح
مجموعه اقداماتی برای تغییر آنها. به همین دلیل شاعر شعر مقاومت می‌کوشد تا
ابتدا تصویر درستی از شرایط فرهنگی سرزمین خویش به دست دهد و ثابت کند
که هویت و فرهنگ او به سرقت رفته است؛ زیرا از بین بردن فرهنگ و هویت
یک ملت، ابزار اساسی در دست استعمارگران است که با کمک آن، به استثمار
فرهنگی و اقتصادی ملت‌ها روی می‌آورند. اثبات این مطلب راه را برای ایجاد
تحول و تغییرات فرهنگی هموار می‌سازد. بر اساس چنین نگرشی است که شاعر
مقاومت در برابر این ستم، لب به اعتراض می‌گشاید: تو آئنده مرا خفه کردی / با
بی‌عدالتی و حصارهای رنگین / تنهایی من / در بینش تو از اینجاست... / چه
زندگانی‌ای می‌تواند باشد / بدون موسیقی و فرهنگ من / موسیقی و فرهنگی که
تو دزدیدی / تا به فرهنگ خودت حیات بخشی... / گاه که تو فربه تر و پولدارتر

می‌شوی/ من باید در اقلیت نشین بدبو انتظار بکشم؟...فدی تیهو بولو Phedi Tihobolo (ترابی، ۱۳۸۴: ۱۸۹).

«مازیسی کانه‌نه» در قطعه‌ای به نام «اندیشه شب بیست و ششم ژوئن» با دفاع از هویت سیاهان به تفکرات و فرهنگ تحمیلی بیگانگان این گونه اعتراض می‌کند: آیا خطا کردم که آتش در کره زمین زدم/ و بر فراز ستارگان به رقص پرداختم/ و اروپا را که با تمدن خسته‌اش در آتش می‌سوخت تماشا کردم/ و آمریکا را که با خدایان پولادینش از هم می‌پاشید تماشا کردم/ و شکنجه‌دهندگان بشر را که به خاکستر بدل می‌شدند تماشا کردم/ خطا کردم؟ بد کردم؟ ریموند مازیسی کونه‌نه Raymond Mazisi Kunene (دی‌ثورن، ۱۳۶۸: ۴۹۶).

شاعر روشنفکر آفریقایی می‌داند که تاراج فرهنگی تنها میراثی است که استعمارگران برای او و مردمش به ارمغان آورده‌اند: ای بریتانیا! ای بریتانیا! / ای بریتانیای کبیر، ای سرزمین خورشید جاودانه!.... / برای ما حقیقت فرستادی، حقیقت را از ما دریغ داشتی/ برای ما زندگی فرستادی، ما را از زندگی محروم ساختی/ برای ما روشنائی فرستادی، ما در تاریکی می‌نشینیم/ در زیر نور خورشید نیمروزی، در پنجه ظلمت جهل می‌لرزیم س. ا. مکهای S.E.Mqhayi (همان: ۲۱۵-۲۱۶).

۲-۳-۱-۵- آزادی خواهی و آزادی خواهی

آزادگی و آزادی خواهی از مؤلفه‌های اصلی شعر مقاومت است. آزادی و استقلال، کلید واژه‌های رویاهای به حق ملت‌های مظلوم و تحت ستم هستند، زیرا این مفاهیم بر نفی سلطه استعمارگران و نفی تبعیت از آنها دلالت دارند. اما آزادی که بعد از دوره طولانی استقرار استعمار و تربیت نسلی دست‌نشانده، حاصل می‌شود اگر با بیداری و هوشیاری همراه نباشد، شاید میوه تلخی باشد که در کام این ملت‌ها به جای انگبین، شرننگ تلخ استعمار نو را بریزد؛ از این روست که آزادی می‌تواند از سویی آرمان شهری افسانه‌ای باشد و از سویی دیگر تلخ و خون آلود.

آفریقا/ فریاد فرزندان بر کوهستان‌ها فرو می‌بارد/ چونان رگباری ناگهانی/ و به دره‌های می‌پیچد چونان سیل/ که علفزاران و کشتزارها را می‌روید....

آفریقا/ کوهستان هایت از فریاد عدالت خواهی مبارزان یکدل راه آزادی، آکنده است. ایلوا ماکی *I lva Macy* (عبداللهی، یعقوبی، ۱۳۷۳: ۶۳).

نیاکان ما مردمان فروتنی بودند / نیاکان ما مردم نجیبی بودند / وقتی طبل‌ها به صدا در می‌آیند / آتش خشم را بالا می‌برد / وقتی طبل‌ها به صدا در می‌آیند / خون خشمگین در رگ‌ها یمان به تپش در می‌آید / وقتی طبل‌ها به صدا در می‌آیند / ما دیگر قادر به متقاعد ساختن آتش خشمگین نیستیم / آنگاه تمام فشارها و ستمگری‌ها را پس می‌زنیم / پس در جاده‌ها / به سوی آزادی پیش می‌رویم سوزان میبی *Susan Mabi* (همان: ۳۳۲).

علاوه بر شیرینی نهفته در واژه آزادی گاهی شاعر به تولد دوباره آزادی بعد از دوران تلخ و سیاه استعمار اشاره می‌کند.

در این سرزمین دست‌های خونین / آزادی / مثل کودکی / در حال تولد است. فدی تیهو بولو *Phedi Tihobolo* (ترابی، ۱۳۸۴: ۱۸۷).

شاعران می‌دانند که روزی آزادی، به کودکان تحت ظلم و ستم‌شان هدیه خواهد شد.

آفریقا / مادر بینوای، بیمار و رو به مرگ / ولی مصمم / آزادی را / به کودکان هدیه می‌کنی ایلوا ماکی *I lva Macy* (عبداللهی، یعقوبی، ۱۳۷۳: ۶۳).

۲-۳-۱-۶- مبارزه

جان مایه شعر مقاومت مبارزه با جنبه‌های گوناگون بیدادگری است. مبارزه در همه ابعاد، تنها راه رهایی است. مبارزه با دشمنی که گاه، داخلی و گاه خارجی، گاهی پنهان و گاهی آشکار است. بیدادگری استعمار، عمیق‌تر از آن است که شاعر در برابر آن واکنش زبانی و بیانی نشان ندهد. شاعر متعهد با شعرش اندیشه مبارزه را بر جان‌های زنگار گرفته و اذهان تاریخی نسل‌ها حک می‌سازد.

... تردید مکن / خواهر قهرمان / که هزاران نفر می‌دانند / ما باید بجنگیم / تا بر این جنگ پیروز شویم. باربارا شراینر *Barbara Schreiner* (ترابی، ۱۳۸۴: ۵۷).

این پسر بچه کوچک / نعره‌های جنگی را می‌شناسد / و می‌داند باید مبارزه کند / با نظامی، / که ماهانه به مادرش شش سکه حقوق می‌دهد / پسر بچه کوچکی /

۲۳۰ / بررسی شعر مقاومت آفریقایی جنوبی با تکیه بر...

علیه مردان بزرگی/ که مثل فرقه‌های قرون وسطی رفتار می‌کنند... موویس اسمالبرگ *Mavis Smallberg* (همان: ۱۴۳-۱۴۴).

«مازیسی کونه‌نه» که خود را سخنگوی مردمش می‌داند، در بستر شعرش با نفرتی درونی و انزجاری وصف ناشدنی با لحنی تند، و محکوم‌کننده تفکرات و اعتراض‌هایش را فریاد می‌زند. او در سروده‌ای به نام «انتقام»، اینگونه از آرزوی مبارزه‌ای رویاروی با دشمنان سرزمین خویش سخن می‌گوید: چگونه بود اگر شبی می‌آمدم / و نیزه‌ام را در پهلویت جای می‌دادم / و انتقام مردگانی را که / نمی‌شناسی از تو می‌گرفتم. ریموند مازیسی کونه‌نه *Raymond Mazisi Kunene* (دی‌ثورن، ۱۳۶۸: ۴۹۵).

۲-۳-۱-۷- تقدیس مرگ آرمانی

مبارزان راه آزادی، قهرمانان ملی محسوب می‌شوند که نماد عظمت و افتخار و الگوی فداکاری هستند. تقدیس قهرمان در میان تمام ملل وجود دارد. قهرمان «در گفتار، کردار، زندگی و مرگش از نیرویی جادویی برخوردار است. مرگ او پایان زندگی او نیست بلکه پایداری‌اش پا به پای تاریخ و نسل‌های بشری پیش می‌رود و خود را در مسیر حرکت جاودانی از یک پیروزی به پیروزی دیگر و از فداکاری به فداکاری دیگر می‌رساند. مظهر قهرمانی را با این معنی جز در میراث توده‌ای ملت‌های گوناگون نتوان یافت.» (شکری، ۱۳۶۶: ۵۳)

قهرمانان ملی در حافظه شاعران این خطه نیز چونان دیگر شاعران زنده هستند، مرگ در راه مبارزه با استعمار و دفاع از هویت و میهن، زندگی‌ای نیکو و جاودانه است که در اذهان همه مردم به ثبت می‌رسد و بزرگ داشت آن، دشواری راه طی شده برای رهایی از استعمار را بازآفرینی می‌کند.

آنگاه، در جایی از شب / صدای دو گلوله به گوش می‌رسد / آنها شاعر را به رنجی تحمل‌پذیر فرا می‌خوانند / و دو قطره خون بر کاغذ می‌غلتد / خون مرگ و خون تولد / اکنون به طور همسانی یگانه می‌نمایند. پتر اندرسن *Peter Andrson* (ترابی، ۱۳۸۴: ۱۳۲).

و با توجه به همین تقدیس مرگ قهرمانان ملی است که «کگوستیسیل» از شاعران مقاومت آفریقای جنوبی، خون کشته شدگان راه آزادی را بهترین خون‌های سرزمینش می‌داند که تاریخ کشورش را مزین ساخته است: / این کلام خرد و آگاهی است / که تاریخ ما / با بهترین خون‌های سرزمینمان / سرخ و گلگون شده است / *بالکا کگوستیسیل Baleka Kgositsile* (همان: ۲۹۵).

۲-۳-۲- تجدید حیات فرهنگی

راه دیگر برای غیبت سازی و بازیابی هویت از دست رفته، تجدید حیات فرهنگی است. سمیح القاسم، شاعر مقاومت فلسطین، درباره هویت از دست رفته جوامع تحت سلطه چنین می‌گوید: همه چیز ما جعلی است. خون ما، شناسنامه‌های ما، پدران و مادران ما جعلی هستند. پس بگذارید که کشتگان به خیابان بریزند و بگذارید حتی عشق و تمام رنگ‌ها و همه چیز به خیابان بریزد. (روشنفکر، اسماعیلی، زارع برمی، ۱۳۹۰: ۲۶۶) به همین دلیل، لزوم بازیابی هویت ملی و بومی حتی تا پای جان در تفکر انسان‌های متعهد، بیدار و مبارز جلوهر می‌گردد. یکی از مهم‌ترین راه‌های بازیابی هویت در شعر مقاومت آفریقای جنوبی احیای فرهنگ ملی قلمداد شده است. اندیشه تجدید حیات فرهنگی به صورت‌های زیر در اشعار مورد نظر نمودار شده است:

۲-۳-۱- نوستالژی مثبت آینده‌گرا

نوستالژی «در فرهنگ لغت به معنی حسرت گذشته، غم غربت و درد دوری آمده است. نوستالژی که از روانشناسی وارد ادبیات شده است در بررسی‌های ادبی به شیوه‌ای از نگارش اطلاق می‌شود که بر پایه آن شاعر یا نویسنده در سروده یا نوشته خویش گذشته‌ای را در نظر دارد یا سرزمینی که یادش را در دل دارد، حسرت آمیزانه و درد آلود ترسیم می‌کند و به قلم می‌کشد» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۳۹۵-۱۳۹۶). «این حسرت و دلتنگی می‌تواند برای وطن و سرزمین مادری، دوران خوش کودکی، اوضاع خوب سیاسی و مذهبی و اقتصادی در گذشته و اشتیاق برای بازگشت به گذشته باشد» (صفری، شمسی، ۱۳۸۹: ۷۸).

با مرور شعر مقاومت آفریقایی جنوبی، در می‌یابیم در این اشعار گاه زمان به عقب بازمی‌گردد و سرایندگان با حسرت و نوستالژی از گذشته‌های دور سخن به میان می‌آورند اما این گذشته‌گرایی رنگ و بوی تفاخرات بیهوده و وهم آلود یا تحقیر کننده ندارد. این گذشته‌گرایی‌ها بستری برای حرکت در مسیر آینده‌ای روشن و بارور است. آنها می‌دانند که از یاد بردن گذشته، نسلی بی‌هویت را به بار خواهد آورد، که خود مقدمه‌ای برای بردگی‌های نوین است: شاید بگذاری خاطرات سرازیر شوند/ و بگذاری غم‌ها فرود آیند/ اما، بگذار غم‌ها برخیزند/ تا گمنامی به رهاییت راه یابد.... بالکا کگوستیسیل *Baleka Kgositsile* (ترابی، ۱۳۸۴: ۲۹۴-۲۹۵).

اما سرزمین بزرگ/ در انتظار بازگشت فرزندان خود است/ کوه‌ها اشاره می‌کنند/ محصول‌ها موج می‌زنند/ کارخانه‌ها سرگرم کارند/ در انتظار/ روز پیروزی ... پاتریک فیتزجرالد *Patrick Fitzgerald* (همان: ۷۴).

اکنون روزهای ما روزهای خوشی می‌شوند/ گاه که در پشت تپه‌ها/ خوشگذرانی تباه شده رنگ می‌بازد/ روزگار رنج و دردمان را/ شمرده‌اند/ پابرجا ایستاده‌ایم/ پرتوهای امید بر فراز سرمان می‌گسترده‌ای تیهو بولو *Phedi Tihobolo* (همان: ۱۸۶-۱۸۷).

۲-۳-۲-۱ احیای هویت بومی و سنن نیاکان

با رواج اندیشه‌های پساستعماری در گام اول رجوع به گذشته و احیای سنن پیشین، مد نظر شاعران قرار می‌گیرد. آنها تنها به بیان نوستالژی و حسرت از دست دادن فرهنگ بومی خود اکتفا نمی‌کنند بلکه صدای گذشتگان را در تمامی تاریخ خود طنین‌انداز می‌دانند و اولین گام در جهت استعمارزدایی را، تجدید حیات و نوزایی سنن کهن می‌دانند.

اما وقتی طبل‌ها به صدا در می‌آیند/ خون در رگ‌هایمان به تپش در می‌آید/ و نیاکانمان به سخن می‌آیند/ آنان می‌گویند/ به سکوت واداشتن فریادهایمان/ تهدید است .../ آنان می‌گویند.../ نیاکان ما می‌گویند/ که آنچه مال آنها بوده

است، مال ما نیز هست/ ما چیزی را که از آن ما نیست، نمی‌خواهیم سوزان میبی
Susan Mabi (همان: ۳۳۱).

یادآوری هویت‌های قومی و قبیله‌ای، در نزد شاعرانی چون ریموند مازیسی،
نمونه‌ای دیگر از تجدید حیات سنن نیاکان به شمار می‌رود: / او، مزینگلی، پسر
قبایل مشهور/ تویی که زیبایت، بر خلیج توکلا گسترده است/ و شکارچیان
خاطرات مثل دو عقابند/ ما به ویرانی‌های رسمی آمده‌ایم/ و آمده‌ایم تا برای
خورشید خون‌آلود بگرییم/ ما فرزندان ندوزگونیا از قبیله دلامینی هستیم/ کسانی
که اندوهشان/ ترس بر زمین پاشیده است. ریموند مازیسی کونه‌نه *Raymond*
Mazisi Kunene (همان: ۲۸۳).

شاعران آفریقایی بر این باورند که با گذر از سد آهنین استعمار و تجدید
حیات فرهنگی و اجتماعی می‌توانند دوباره دوران طلایی گذشته را احیا کنند،
گذشته‌ای که در آن کهنسالان نشان آسوده و شاد بودند و از فقر، فلاکت، سکوت،
سکون و تحقیر در آن خبری نبود: من برمی‌گردم/ به سرزمین‌های کهن؛/ جایی
که پیرمردان و پیرزنان / تمام روز می‌خندند/ تا وقتی که ریه‌هایشان/ مثل غبار
خشک شود؛/ جایی که پیرمردان و پیرزنان/ تمام روز حرف می‌زنند. / درباره
آب و هوا، ضرب‌المثل‌ها، کشتزارها.... نی جا بولونی *Njabulo Ndebele*
(شاهسوندی، ۱۳۷۲: ۶۱).

۲-۳-۳- نوسازی علمی و فرهنگی

شاعران عرصه بیداری و مقاومت، بعد از رجوع به گذشته و احیای سنن
کهن دست به اقدام زده و از اندیشه‌ها و باورهای ملّی و بومی خود غبار زمان و
استعمار را می‌زدایند و با نگاهی نو، به گذشته خویش می‌نگرند: ما در بعد از ظهر/
آینه‌های بزرگ حمل می‌کنیم/ تا طرح نویی از نمایش زمان شب گذشته نامعین
بیفکنیم. ریموند مازیسی کونه‌نه *Raymond Mazisi Kunene* (ترابی، ۱۳۸۴:
۲۸۳-۲۸۴).

آنها، قرن‌ها، برای داشتن یک هویت انسانی مبارزه کرده‌اند، و ایمان دارند
علی رغم موانع بسیار، با احیای فرهنگ از دست رفته‌شان می‌توانند به آزادی و

استقلال واقعی دست یابند: اگر تحوّل را فریاد بزنی / نباید نگران شوی / از لرزش خفیف عقربه‌ای / که با شتاب / در وجه و جب و جب زندگیمان / پیش می‌تازد / تا سرعت موتوری را / که وطن را به سوی آزادی / می‌برد / یادداشت کند. پاسکال گوالا Pascal Gwala (همان: ۳۰۵).

اما، علاوه بر توجه به میراث کهن، تلفیق دستاوردهای علمی و فلسفی روز نیز ضروری است. انقلاب فرهنگی در کشورهای آفریقایی و به وجود آمدن فلسفه‌ای تلفیقی به منظور اعتلای دانش و نوسازی علمی و فرهنگی این کشورها، از نظر شاعران، نقطه عطفی در زمینه بازشناسی و بازسازی هویت ملی آنها محسوب می‌شود: آن روزها را به یاد می‌آوریم / گرچه دیروز باشند / می‌دانیم که دیروز / هرگز فردا نخواهد شد / هرگز نباید به / امپریالیسم اجازه بدهیم / تا تاریخ‌مان را جیره‌بندی کند / دانش ما، انقلاب ماست. پاتریک فیتز جرالّد Patrick Fitzgerald (همان: ۲۷۴).

۳- نتیجه‌گیری

با مطالعه پسااستعماری نمونه‌هایی از اشعار مقاومت آفریقای جنوبی، می‌توان ویژگی‌های زیر را برای این اشعار برشمرد:

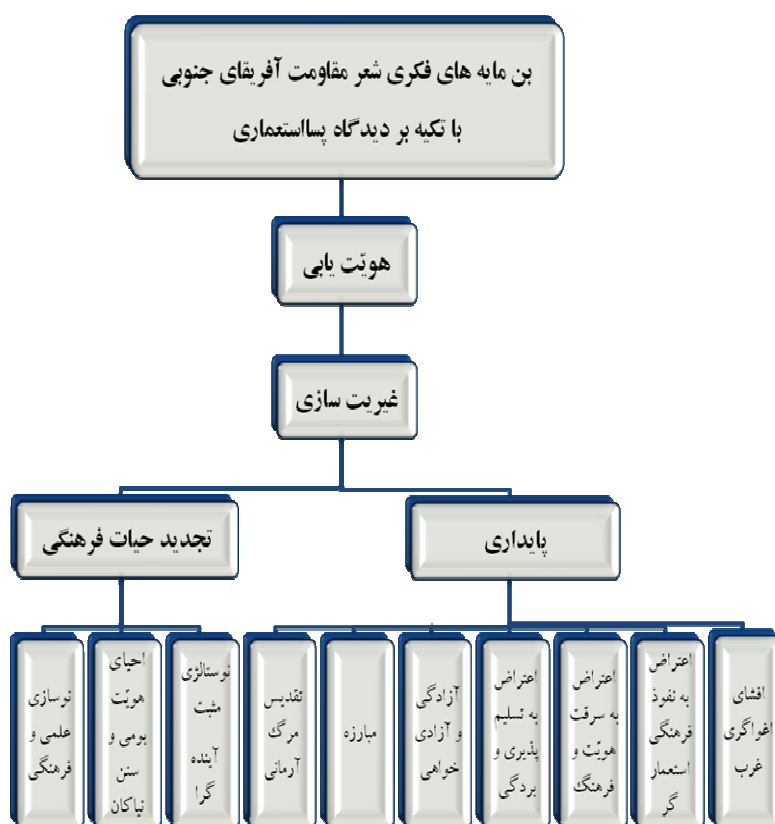
۱- در این اشعار تأثیرات مستقیم بیداری مردم و جنبش پسااستعماری به وضوح قابل مشاهده است. بافت اعتراض‌ها در این اشعار، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. (اعتراض به استحاله فرهنگی، اعتراض به پذیرش بردگی، اعتراض به آزادی از نوع غربی- استعماری، اعتراض به استعمارزده‌های خود فروخته و دولت‌های دست‌نشانده.) دعوت به مبارزات نیز از جنس فرهنگی و اجتماعی است.

۲- مهم‌ترین جنبه‌های منفی میراث بنیان‌برانداز استعمار، اغواگری غرب، نفوذ فرهنگی، سرقت هویت و فرهنگ بومی، سلطه‌جویی و رواج خوی تسلیم‌پذیری معرفی شده است.

۳- از نظر شاعران شعر مقاومت آفریقا، مهم‌ترین راه مبارزه با استمرار نفوذ فرهنگی استعمار، هویت‌یابی است و فرایند هویت‌یابی با استفاده از آگاه‌سازی و

غیریت سازی صورت می گیرد. مؤلفه های غیریت سازی در این اشعار در دو رویکرد پایداری و تجدید حیات فرهنگی به نمایش درآمده است.

۴- گفتمان غالب بر اشعار مقاومت آفریقایی جنوبی، و اجزاء آن در نمودار زیر قابل مشاهده است:



فهرست منابع

الف) کتابها

۱. آشوری، داریوش. (۱۳۵۸)، فرهنگ سیاسی (شامل مکتبها، اصطلاحها، مهم ترین سازمان های بین المللی، حزبها و مهم ترین پیمانها)، تهران: نشر مروارید، چاپ دوازدهم.

۲. الهی، همایون. (۱۳۸۷)، **شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم**، تهران: نشر قومس، چاپ سوم.
۳. برتنز، یوهانس ویلم. (۱۳۸۲)، **نظریه ادبی**، ترجمه فروزان سجودی، تهران: آهنگ دیگر.
۴. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۴)، **روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان**، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
۵. ترابی، ضیاءالدین. (۱۳۸۴)، **طبل‌های غرآن (شعر مقاومت ملل-۱۲ آفریقا)**، تهران: نشر نسیم حیات با همکاری صریر (وابسته به بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس).
۶. تسلیمی، علی. (۱۳۸۸)، **نقد ادبی (نظریه‌های ادبی و کاربرد آنها در ادبیات فارسی)**، تهران: نشر کتاب آمه.
۷. دی‌ثورن، او. آر. (۱۳۶۸)، **تاریخ ادبیات آفریقا**، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر نگاه.
۸. سعیدیان، عبدالحسین. (۱۳۶۹)، **دایرة المعارف ادبی**، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.
۹. سازمان ایرلند (مجمع گروهی از انقلابیون ایرلند). (۱۳۶۱)، **درباره امپریالیسم**، ترجمه کاظم دانشیان، تهران: آگاه.
۱۰. شکری، غالی. (۱۳۶۶)، **ادب مقاومت**، ترجمه حسین روحانی، تهران: نو.
۱۱. طلوعی، محمد. (۱۳۷۲)، **فرهنگ جامع سیاسی**، تهران: نشر سخن.
۱۲. مصاحب، غلامحسین. (۱۳۸۰)، **دایرة المعارف فارسی**، جلد اول، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
۱۳. مکاریک، ایرنا رما. (۱۳۸۳)، **دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر**، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: نشر آگاه.
۱۴. نوردمن سیلر، آلموت. (۱۳۶۷)، **ادبیات نو آفریقایی**، ترجمه افضل وثوقی، تهران: نشر آستان قدس رضوی.

(ب) مقاله‌ها

۱. ارجینی، حسین. (۱۳۸۹)، «استعمار فرانزو»، **مجله معرفت**، شماره ۱۵۰، صص ۲۴-۱۷.
۲. بنوبهی، شیر. (۱۳۸۶)، «شعر آفریقا»، **نشریه ادبیات و زبان‌ها (گلستانه)**، شماره ۸۳، صص ۲۴-۲۴.
۳. حسن‌زاده، فریده. (۱۳۷۷)، «شعر آفریقا»، **نشریه ادبیات و زبان‌ها**، شماره ۲۴، صص ۸۶-۹۳.

۴. ساعی، احمد. (۱۳۸۵)، «مقدمه‌ای بر نظریه و نقد پسااستعماری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۳، صص ۱۵۴-۱۳۳.
۵. صفری، جهانگیر، شمسی، حسین. (۱۳۸۹)، «بررسی نوستالژی در دیوان ناصر خسرو»، پژوهشنامه ادب غنایی، سال هشتم، شماره ۱۱، صص ۷۵-۹۸.
۶. عبداللهی، علی، بنی یعقوب، کیوان. (۱۳۷۳)، «برخیز ظفر خواهی یافت (شعر آفریقایی جنوبی)»، نشریه ادبیات و زبان‌ها (شعر)، شماره ۱۲، صص ۶۲-۶۳.
۷. شاهشوندی، شهلا. (۱۳۷۲)، «شعر معاصر آفریقا»، نشریه فرهنگ و هنر «شعر»، شماره ۷، صص ۶۰-۶۱.
۸. نظری، علی اشرف. (۱۳۸۷)، «تبیین مفهوم هویت از چشم‌انداز گفتمانی»، نشریه راهبرد، شماره ۴۹، صص ۱۸۰-۱۶۱.
۹. نوراحمر، همایون. (۱۳۸۷)، «شعر دیگران، از شاعران آفریقا»، نشریه هنر و معماری (آزما)، شماره ۵۸، ص ۳۶.
۱۰. وثوقی، افضل. (۱۳۶۵)، «نگاهی به شعر و ادب آفریقایی سیاه»، نشریه کیهان فرهنگی، شماره ۲۷، صص ۲۶-۲۹.

ج) منبع الکترونیکی

- فرامین، احمد. (۱۳۹۲)، «فریادهای ما را راهی به بی‌کران‌ها نیست! (نگاهی کوتاه به شعر آفریقا)»، روزنامه الکترونیکی ماندگار: www.mandegardaily.com